

پژوهشنامه حکمت اهل بیت (علیهم السلام)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه اصفهان
سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۳)، تابستان ۱۳۹۳، ص ۲۴-۱۱
اعلام وصول: ۱۳۹۴/۴/۲۴، پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۲۶

تحلیل نسبت زن و آزادی در اسلام، در مقایسه با غرب، بر اساس آراء آیت الله خامنه‌ای مریم سعیدیان جزئی* سعیده یراقی**

چکیده

یکی از اساسی‌ترین موضوعات در مباحث انسان‌شناسی، مسئله آزادی انسان است. در غرب، هم‌زمان با مدرنیسم و به دنبال آن فمینیسم، زنان برای به دست آوردن آزادی، تلاش بسیاری کردند و مدعی هستند که در این زمینه موفق بوده‌اند. مقاله حاضر موضوع آزادی در غرب را در حوزه زنان، بر اساس اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، با روش تحلیل کیفی بررسی می‌کند. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که با توجه به تفاوت تعاریف و جایگاه آزادی در اسلام و غرب، تبعات آزادی در غرب در حوزه زنان چه بوده است؟ بر این اساس آراء آیت‌الله خامنه‌ای، از مجموعه بیانات و سخنرانی‌های ایشان، طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۲، جمع‌آوری و با روش تماتیک تحلیل کیفی شده است. طبق این دیدگاه، مبانی آزادی در غرب نه تنها موجب احیای حقوق زنان نشده، بلکه باعث خسران در زندگی خانوادگی و روابط زن و شوهر نیز شده است؛ این در حالی است که در نظام فکری اسلام، آزادی نه رهایی از قید و بند، بلکه آزادی و تکلیف با هم ملازمه دارند. در حوزه زنان نیز، شناخت این مسئله است که می‌تواند تفاوت جایگاه زن در فرهنگ اسلامی با فرهنگ غرب را به وجود آورد.

واژه‌های کلیدی

آزادی، زن، اسلام، غرب، آیت‌الله خامنه‌ای.

* استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه اصفهان، ایران msaeedyan@itr.ui.ac.ir

** پژوهشگر رشته مطالعات زنان گرایش حقوق زن در اسلام، دانشگاه اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) s.yaraghi@yahoo.com

مقدمه

شهرهای استان‌های غربی نظیر ازبیر را در بر می‌گیرد (رهنمایی، ۱۳۸۸).

اما منظور از غرب در این پژوهش، فرهنگ غرب است که از یونان قدیم شروع شد و در تمدن رومی گسترش پیدا کرد (اسپیلو، ۲۰۰۳: ۱۱)؛ سپس، در طول قرون وسطی، با مسیحیت ادامه یافت تا اینکه با رنسانس، دوران اصلاح و مدرن شدن آن شروع شد (زیمرن، ۲۰۱۲)؛ بنابراین فرهنگ غرب، یعنی فلسفه و فرهنگ حاکم بر جوامعی که آن جوامع را دارای ابعاد خاص، با ویژگی‌های مشخصی می‌کند و از لحاظ جغرافیایی، فرقی ندارد که این جوامع در شرق کره خاکی باشند یا در غرب آن. اما برخی از ویژگی‌های آن عبارت است از: اصالت قدرت، اصالت ماده، اصالت زندگی، نظم فکری و عملی، میل به تحلیل عقلانی، خودمداری و اومانیسیم (شاهدین، ۱۳۸۲).

در این بین، جنبش‌هایی مانند فمینیسم که به طبع این تحولات فکری در غرب پدید آمد نیز، از این مبانی بی‌بهره نبوده است. سؤال اصلی پژوهش این است معنایی که از آزادی زن در غرب فهمیده می‌شود چیست و تبعات و آثار آن چگونه است؟ برای این منظور، حوزه نظری آیت‌الله خامنه‌ای را درباره این مسئله تحلیل می‌کنیم؛ چرا که ایشان هم به رویدادهای جهانی شناخت لازم و کافی دارند و هم اینکه موضوع زن از مسائل مهم مد نظر ایشان، در برنامه‌ریزی‌های کشوری است. در خصوص آزادی زن در غرب، پژوهش‌هایی انجام شده است که آن‌ها را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد:

۱. بعضی از این تألیفات، دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای را درباره زن و زن در فرهنگ غرب، بدون تحلیل، صرفاً جمع‌آوری کرده‌اند؛ مانند این نمونه: بانکی پور فرد (۱۳۸۱)، او در کتابی با عنوان «آئینه زن» به جمع‌آوری مجموعه موضوعی سخنان رهبری از پیروزی انقلاب

آزادی یکی از بزرگ‌ترین و عالی‌ترین ارزش‌های انسانی است که برای انسان جایگاهی مافوق ارزش‌های مادی دارد؛ چرا که انسان غیر از حیات مادی و غرایز طبیعی و جسمی، دارای حیات روحانی و معنوی نیز هست و آزادی ابزاری است برای تحقق بخشیدن به این بخش وجودی انسانی. از طرفی، انسان به علت اینکه موجودی اجتماعی بوده نیازمند نوعی از آزادی، به نام آزادی اجتماعی است؛ یعنی بشر باید در اجتماع، از ناحیه سایر افراد اجتماع، آزادی داشته باشد و دیگران مانعی در راه رشد و تکامل او نباشند و او را محبوس نکرده و استثمار نکنند (مطهری، ۱۳۹۰: ۲۶).

در قرآن کریم آمده است: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَا مَرْهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ أَصْرَهُمْ وَالْإِغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ».^۱ طبق این آیه، خداوند یکی از خصوصیات پیامبر (ص) را این قرار می‌دهد که غل و زنجیرها را از گردن انسان‌ها بر می‌دارد و «اصر» یعنی، تعهدات تحمیلی بر انسان‌ها را از آن‌ها می‌گیرد. این در حالی است که در غرب، با توجه به مبانی حاکم بر آن، مانند اومانیسیم و سکولاریسم و طی مخالفت با اربابان کلیسا، نمود آزادی را حذف دین از سیطره زندگی اجتماعی می‌دانند.

در ابتدای بحث، باید منظور خود را از غرب روشن کنیم. غرب از لحاظ ژئوپولتیک، موقعیت سیاسی جغرافیایی، همه بلوک غربی در غرب عالم به جانب مغرب خورشید، یعنی تمام اروپا از فنلاند و سوئد تا مرز اسپانیا با مراکش و تمام آمریکای شمالی شامل شمال کانادا و آلاسکا و ایالات متحده آمریکا و تمام فواصل دریایی اقیانوس اطلس مابین اروپا و آمریکا و همچنین بخش‌های اروپایی ترکیه، شامل

که در غرب، آزادی برای زنان توهمی بیش نبوده و تمام شخصیت آن‌ها را از بین برده است. اهمیت پژوهش حاضر در این است که آراء آیت‌الله خامنه‌ای درباره این موضوع، صرفاً جمع‌آوری نشده بلکه این آرا با روش تحلیل کیفی تبیین شده است.

روش‌شناسی

روش استفاده شده در این تحقیق، تحلیل محتوای کیفی است. تحلیل محتوا یک روش تحقیق، برای تفسیر ذهنی داده‌های متنی، از طریق فرایند طبقه‌بندی منظم کدها و شناسایی تم‌ها یا الگوهاست (محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۰۰). جامعه آماری در این تحقیق، سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای از سال ۱۳۵۷ تا آذرماه ۱۳۹۲ است. نمونه‌گیری مدنظر هدفمند بوده و عبارت است از گزینش واحدهایی خاص، مبتنی بر اهداف خاص مرتبط با پاسخ به سؤال‌های خاص تحقیق (محمدپور، ۱۳۹۰: ۳۲/۲). برای انجام کار، ابتدا تمام سخنان آیت‌الله خامنه‌ای درباره آزادی زن در فرهنگ غرب، از منابع موجود جمع‌آوری و با مدل تحلیل تماتیک کدگذاری شد؛ کدهای هم محتوا در یک طبقه قرار گرفتند و سرانجام ۷ کد متمرکز تشکیل شد. این ۷ کد مقوله اصلی تحقیق، یعنی مقوله «نسبت زن و آزادی در فرهنگ غرب از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای» را تشکیل دادند؛ سپس این ۷ مقوله تحلیل محتوای کیفی شدند و جداول، نمودارها و مدل‌هایی مطابق آن تنظیم شد.

چارچوب مفهوم آزادی در متون دینی و غربی با

رویکردی بر موضوع زن

تفاوت معنی آزادی به نوع انسان‌شناسی و جهان‌بینی بستگی دارد. تعریف آزادی در نگرش دینی و اینکه دین می‌تواند و باید برای انسان قانون‌گذاری کند، با نگرش اومانیستی به هستی متفاوت خواهد بود؛ چون در نگرش اومانیستی، دین نباید در قانون‌گذاری

اسلامی تا سال ۱۳۸۰، با تأکید بر جایگاه و منزلت زن در اسلام و سیاست‌های غربی در جهت تخریب شخصیت زن پرداخته است. قدوسی‌زاده (۱۳۸۹)، سخنان آیت‌الله خامنه‌ای را در پنج جلد، به نام «نکته‌های ناب» جمع‌آوری کرده است. جلد سوم این اثر درباره ویژگی‌های فرهنگ و تمدن غربی و نگرش اسلام و غرب به زن و خانواده است. در جلد چهارم نیز به مباحثی مانند روشنفکری، ارزش‌های دینی، فرهنگ و تهاجم فرهنگی پرداخته است. بیانات جمع‌آوری شده در این مجموعه، مربوط به سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۶ است. سیاهپوش و آقاپور (۱۳۸۹)، در کتابی با عنوان «فرهنگ در منظر مقام معظم رهبری»، به شرح بیانات ایشان در باب فرهنگ، طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸ پرداخته‌اند. در این اثر، سخنان از نظر محتوایی تقسیم‌بندی شده، ولی تحلیل نشده‌اند. مرکز صهبا (۱۳۹۰)، در کتابی با عنوان «دغدغه‌های فرهنگی» به شرح بیانات رهبری، در سال ۱۳۷۳، در خصوص فرهنگ، هنر، جریان روشنفکری، تهدیدات و تهاجمات فرهنگی و... پرداخته است.

۲. برخی دیگر از تألیفات، جایگاه زن در فرهنگ غرب را تحلیل کرده‌اند؛ اما نه از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: صدر (۱۳۸۶)، در کتابی با عنوان «زن و آزادی»، به این موضوع پرداخته است که آزادی زن از نظر اجتماعی خوب است یا نه؟ در این کتاب آمده، همان‌طور که زنان در ارتباط با یکدیگر آزادند و در هر حالتی و در هر لباسی، می‌توانند همدیگر را ببینند، از نظر ارتباط با مردان نیز چنین باشند و در برابر دیدگان جنس مخالف، بتوانند با هر وضعی ظاهر شوند. سؤال اساسی این است آیا این آزادی را خود زنان به دست آورده‌اند یا مردان به آن‌ها تحمیل کرده‌اند؟ مختاری (۱۳۸۸) نیز، در مقاله‌ای با عنوان «زن و رویای آزادی در غرب» به بیان این مسئله می‌پردازد

در روند شکل‌گیری تفکرات بعد از رنسانس که مبتنی بر اصالت انسان و کنار نهادن دین بود، مکاتب بسیاری شکل گرفت که ریشه‌ تمامی آن‌ها بر اساس تفکر لیبرالیستی و آزادی‌خواهی منهای رویکرد دینی بود (همایش زنان، ۱۳۸۸).

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای نیز «آزادی انسان در غرب منهای حقیقتی به نام دین و خداست. لذا ریشه‌ آزادی را هرگز خدادادگی نمی‌دانند و قبول ندارند که آزادی را خدا به انسان داده است» (بیانات در ۱۳۷۷/۶/۱۲). بیان رسایی از رابطه‌ بین آدمی و آزادی، در افسانه‌ طرد انسان از بهشت، در تورات آمده است. این افسانه‌ آغاز داستان بشر را یک انتخاب معرفی می‌کند؛ ولی تأکیدش همه بر گناه آلوده بودن این نخستین عمل آزاد و رنجی است که از آن به بار می‌آید. زن و مرد در باغ بهشت هماهنگ با یکدیگر و با طبیعت زندگی می‌کنند. آرامش حکمفرماست و لزومی برای کار نیست، نه انتخاب وجود دارد، نه آزادی و نه تفکر. خوردن میوه‌ درخت، تمیز بین خوب و بد، برای انسان ممنوع است؛ اما او از فرمان خدا سر می‌پیچد و از حال هماهنگی با طبیعت بیرون می‌آید، بدون اینکه از آن بالاتر رود. از نظر کلیسا، یا نماینده‌ قدرت، این عمل گناه است؛ ولی از نظر آدمی، آغاز آزادی بشر است. معنای نقض فرمان خدا، آزادی انسان از بند اجبار و بیرون آمدن وی از هستی ناهشیاری است که خاص زندگی ما قبل انسانی و پیش از رسیدن به پایه‌ بشری است. شکستن فرامین مرجع قدرت یا ارتکاب گناه، در جنبه‌ مثبت انسانی آن، نخستین عمل آزاد است یا به عبارت رساتر، نخستین عمل انسانی در این افسانه‌، جنبه‌ صوری گناه، عمل کردن برخلاف فرمان خداست و جنبه‌ مادی آن، خوردن میوه‌ درخت دانش. به عنوان عملی آزاد، سرپیچی، آغاز عقل است. آدمی از طبیعت جدا شده و «با فرد شدن» اولین قدم را به سوی انسانیت برداشته و مرتکب اولین عمل آزاد شده است (فروم، ۱۳۸۷: ۵۴). لذا آنچه دریافت کردنی بوده این

دخالت کند و این انسان است که باید بر اساس نیازها و خواسته‌هایش، برای خویش قانون وضع کند. در پارادیم اسلام «آزادی ریشه‌ الهی دارد و حرکت علیه آزادی، حرکت علیه یک پدیده‌ الهی است» (بیانات در ۱۳۷۷/۶/۱۲). در تفکر اسلامی، مبارزه برای آزادی یک تکلیف است؛ زیرا مبارزه برای امری الهی است (برگرفته از بیانات در ۱۳۷۷/۶/۱۲). در اسلام آزادی موهبتی الهی است که خدای متعال در وجود انسان به ودیعه گذاشته است تا با کمک آن، خود را از قید و بندهای درونی و بیرونی برهاند و از بردگی نفس، به بندگی حق نائل شود؛ اما این بر نمی‌آید مگر اینکه انسان از دستورهای حق پیروی کند و پیرو شریعت باشد و این آزادی را در راه پیروی از قوانین شریعت به کار برد. در واقع در اسلام، آزادی نه به معنای از هر قید و بندی رها شدن که به معنای رها شدن از نفس است. بنابراین در اسلام، تلاش برای از میان بردن موانع و دست یافتن به آزادی فراتر از یک حق، بلکه تکلیفی شرعی است که خدا بر عهده‌ انسان قرار داده است. با این نگاه، انسان موظف به انجام تکالیف و احکام الهی است و آزادی مقدمه‌ای برای آن است؛ بنابراین آزادی و تکلیف، با هم ملازمه دارند نه اینکه آزادی به معنی رهایی از هر تکلیف و وظیفه‌ای باشد.

در حوزه‌ مرتبط با زنان نیز، همین معانی از آزادی برداشت می‌شود؛ چون زنان به عنوان انسان، دارای وظایف و مسئولیت‌هایی هستند که نظام تکوین و تشریح برعهده‌ آن‌ها نهاده و آزادی وسیله‌ای است برای انجام این تکالیف. برخی از این تکالیف مشترک بین زنان و مردان و برخی به عنوان کار ویژه زنان شناخته می‌شود؛ مانند مسئولیت مادری. این در حالی است که در غرب، لیبرالیسم^۲ عبارت است از: «مجموعه‌ روش‌ها و نگرش‌ها و سیاست‌ها و ایدئولوژی‌هایی که عمده‌ترین هدفشان فراهم آوردن آزادی هر چه بیشتر برای فرد است. بنیاد و شالوده‌ این مکتب مبتنی بر فردگرایی است» (مشکات، ۱۳۸۶: ۴۵۲).

است که:

. آزادی در غرب در تقابل و تنافی با دین و خدا محوری است.

. آزادی در غرب، مقوله‌ای برگرفته از خواسته‌های انسانی است و ارزش ذاتی و عقلی و شرعی ندارد.

. آزادی در غرب، هم سو با طبع انسانی بوده و فقط برای خدمت به نیازهای مادی اوست.

در غرب، انسان موجودی است «آزاد آزاد» نه «آزاد مسؤول»؛ بنابراین برداشت، در حوزه مرتبط با مسائل

زن نیز، آزادی یعنی مجاز بودن هر نوع اراده و هر نوع انتخاب و از سویی، آزادی تنها راه رسیدن به

برابری زن و مرد است (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸: ۸۰).

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، در غرب، آزادی (زن) معنای وسیعی را شامل می‌شود که از آن می‌توان به

آزادی از اسارت، آزادی از اخلاق و آزادی از قوانینی که باعث تعهد زن در مقابل شوهر می‌شود، یاد کرد؛

البته ایشان در خصوص زن، از نوع دیگری آزادی یاد می‌کنند که جنبه مثبت دارد و آن عبارت است از

آزادی از نفوذ مبنی بر سوءاستفاده کارفرمایی که زن را با مزد کمتری به کارگاه می‌کشاند (برگرفته از بیانات

در ۱۳۷۶/۷/۳۰). اکنون این پرسش پیش می‌آید که تبعات آزادی در فرهنگ غرب، برای زن چه بوده

است؟ در ادامه مقاله، به تحلیل بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌پردازیم.

استخراج نظریه و راهبردها

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، مصادیق آزادی زن در اسلام شامل سه حیطة مجزا و در عین حال، مرتبط با هم است.

این حیطه‌ها شامل فردی و اجتماعی و خانوادگی است:

۱. حیطة فردی: در حیطة فردی، طی کردن راه تکامل و معنویت زنان و مردان هیچ تفاوتی با هم دیگر ندارد و حتی در قرآن، وقتی خداوند متعال می‌خواهد برای

مؤمنان مثال بزند از زنان مؤمن مثال می‌زند «امرات

الفرعون» (بیانات در ۱۳۷۵/۶/۲۸) که این از آزادی زن، در حیطة تکامل فردی و شخصیتی نشان دارد. در

قرآن به این نکته اشاره شده است که «تقوا» عامل کرامت و ارزش انسانی است که این مسئله زن و مرد

ندارد. در قرآن کریم^۳ به صراحت اشاره شده است که هر کسی، از زن یا مرد، عمل صالحی انجام دهد به

حیات طیبه خواهد رسید. برای تحقق این امر، باید افراد دارای آزادی باشند تا بتوانند عمل و نوع رفتار

خویش را خود انتخاب کنند و در این زمینه، تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد و زنان نیز با داشتن حق

انتخاب، می‌توانند مسیر زندگی خویش را انتخاب کنند، نه اینکه تابع خواسته یا رأی مردان باشند. نمونه

عملی این موضوع، در قرآن آمده که مربوط به داستان همسر فرعون است. او با وجود ادعای خدایی

همسرش، خدای یکتا را می‌پرستید.

۲. حیطة خانوادگی: «مادری، مسئله همسری، مسئله خانه و خانواده، مسائل بسیار اساسی و حیاتی است»

(بیانات در ۱۳۷۰/۱۰/۴). در درجه اول، مسئله انتخاب همسر است. «به نظر اسلام، زن در انتخاب همسر آزاد

است و هیچ کس نمی‌تواند در مورد انتخاب همسر، بر هیچ زنی چیزی را تحمیل کند. یعنی حتی برادران زن،

پدر زن، خویشاوندان دورتر که جای خود دارند، اگر بخواهند بر او تحمیل کنند که تو حتماً باید با شخص

مورد نظر ازدواج کنی، نمی‌توانند و چنین حقی را ندارند. این نظر اسلام است» (بیانات در ۱۳۷۵/۱۲/۲۰).

۳. حیطة اجتماعی: در نگاه اسلام زنان «در همه حیطه‌های اجتماعی، اعم از فعالیت اقتصادی، فعالیت

سیاسی، فعالیت اجتماعی به معنای خاص، فعالیت علمی، درس خواندن، درس گفتن، تلاش کردن در راه

خدا، مجاهدت کردن و همه میدان‌های زندگی در صحنه جامعه می‌توانند حضور فعال داشته باشند. در

هستند؛ ولی یک اصل اساسی، کار خانه و خانواده و همسر و کدبانویی و مادری است که نباید تحت الشعاع قرار گیرد. زیرا اگر به این اصل ضربه و صدمه‌ای وارد شود جایگزین ندارد. هیچ کس دیگر نمی‌تواند این کار را بکند؛ البته حتماً بایستی بر روی کار زن‌های خانه‌دار ارزش‌گذاری ویژه بشود» (بیانات در ۱۳۹۰/۱۰/۱۴). «جرم بزرگ تمدن غرب این است که به نام حمایت از زنان، به آنان خیانت می‌کند و نقش حقیقی آنان را در تاریخ و جامعه و خانواده تضعیف می‌کند و یا نادیده می‌انگارد» (بیانات در ۱۳۸۴/۵/۵).

خانواده کوچک‌ترین نهاد جامعه است؛ اما مهم‌ترین نهاد برای ایجاد و پرورش و تربیت انسان‌هاست و باید سعی کرد تمام عوامل تحقق یک خانواده ایده‌آل، از لحاظ دینی فراهم شود. یکی از این فعالیت‌ها، توجه به کارویژه‌های اختصاصی زنان در منزل، به عنوان همسر و مادر است که انجام درست این نقش، باعث می‌شود بخش مهمی از کارکرد خانواده به درستی انجام شود. در این صورت، می‌توان امیدوار بود که جامعه رو به تعالی و پیشرفت حرکت خواهد کرد. افراد یک جامعه باید بدانند که وجود انسان‌های کارآمد و با اخلاق در جامعه نیازمند تربیت است و اولین مربی انسان، مادر اوست؛ بنابراین زنان باید بتوانند با فراغت و آرامش به این نقش مهم بپردازند.

سوم: رعایت حریم محرم و نامحرم در اجتماع: اسلام برای فعالیت‌های زن و مرد حدودی را معین کرده است که مربوط به اجازه داشتن زن برای فعالیت نیست بلکه مربوط به اختلاط زن و مرد است. «اسلام معتقد است که مرد و زن باید یک مرزبندی میان خودشان در همه جا، در خیابان و در اداره و در تجارتخانه، داشته باشند. میان زن و مرد مسلمان، حجاب و مرزی معین شده است. اختلاط و امتزاج زن و مرد، مثل اختلاط و امتزاج مردان با هم و زنان با هم

حضور اجتماعی و فعالیت‌های متنوع در همه میدان‌ها، هیچ تفاوتی بین زن و مرد از نظر اسلام نیست. از نظر اسلام، در همه این فعالیت‌های مربوط به جامعه بشری و فعالیت‌های زندگی، زن و مرد دارای اجازه مشترک و همسان هستند» (بیانات در ۱۳۷۵/۱۲/۲۰). در اسلام، نمونه‌های بسیاری از حضور اجتماعی سیاسی زنان درخور مشاهده است؛ مانند بیعت گرفتن از زنان، هجرت برای مبارزه با کفر و شرک، کوشش در راه اسلام و ولایت و... (علاسوند، ۱۳۹۰: ۲۳۸/۲)؛ اما این حضور اجتماعی، چهار شرط اساسی دارد:

اول: تناسب فعالیت اجتماعی با جسم و روحیه زنانه: «بعضی از کارها هست که باب زنان نیست؛ چون با ترکیب جسمانی آن‌ها تطبیق نمی‌کند. بعضی از کارها هم هست که باب مردان نیست؛ چون با وضع اخلاقی و جسمی آن‌ها تطبیق نمی‌کند. این موضوع ربطی به این ندارد که زن می‌تواند در میدان فعالیت‌های اجتماعی باشد یا نه. تقسیم کار، برحسب امکانات و شوق زمینه‌های اقتضای این کار است. اگر زن بخواهد شوق داشته باشد، می‌تواند فعالیت‌های گوناگون اجتماعی و آنچه که مربوط به جامعه است، انجام دهد. اینکه می‌فرماید: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» مخصوص مردان نیست؛ زنان هم باید به امور مسلمانان و جامعه اسلامی و امور جهان اسلام و همه مسائلی که در دنیا می‌گذرد، احساس مسئولیت کنند و اهتمام نمایند؛ چون وظیفه اسلامی است» (بیانات در ۱۳۷۵/۶/۲۸). به هر تقدیر، از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، فعالیتی مناسب است و موجبات سعادت انسان را فراهم می‌کند که متناسب با ساخت جسمی و روحیات روانی او باشد.

دوم: آسیب نرساندن فعالیت اجتماعی به کدبانوگری زنان: «انواع مشارکت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برای زنان لازم است؛ چرا که زنان نیمی از جامعه

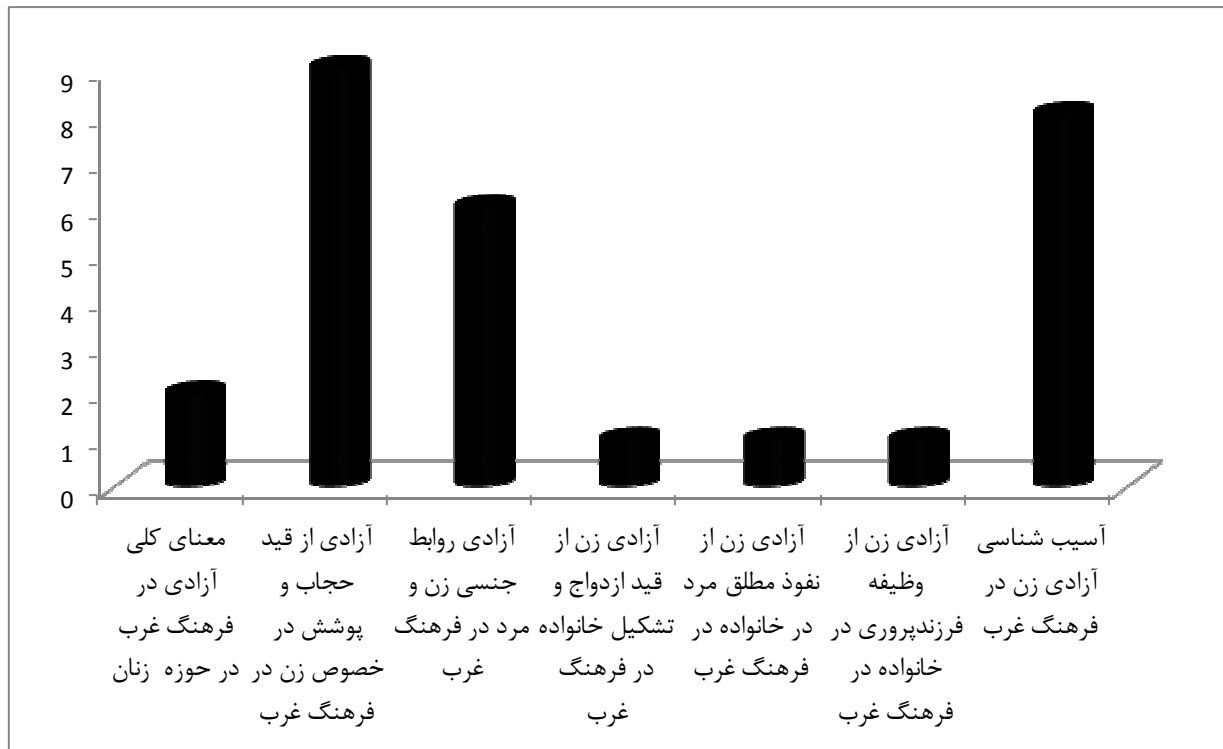
زنان و مردان نامحرم، در محیط کار، باعث می‌شود افراد به جای توجه به ظاهر همدیگر، به فعالیت خود مشغول باشند و این‌گونه از هدر رفتن نیروی کار جلوگیری می‌شود.

دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در زمینه نسبت زن و آزادی در فرهنگ غرب، از طریق روش تحلیل محتوا کدگذاری شد و هفت شاخص اصلی به دست آمد:

۱. معنای کلی آزادی در فرهنگ غرب، در حوزه زنان؛
۲. آزادی از قید حجاب و پوشش در خصوص زن، در فرهنگ غرب؛
۳. آزادی روابط جنسی زن و مرد، در فرهنگ غرب؛
۴. آزادی زن از قید ازدواج و تشکیل خانواده، در فرهنگ غرب؛
۵. آزادی زن از نفوذ مطلق مرد در خانواده، در فرهنگ غرب؛
۶. آزادی زن از وظیفه فرزندپروری در خانواده، در فرهنگ غرب؛
۷. آسیب‌شناسی آزادی زن در فرهنگ غرب.

نیست. این را باید رعایت کنند. هم مرد باید رعایت کند و هم زن باید رعایت کند. اگر این حساسیت اسلام نسبت به روابط و نوع اختلاط مرد و زن رعایت شود، همه کارهایی که مردان می‌توانند در عرصه اجتماعی انجام دهند، زنان هم، اگر قدرت جسمانی و شوق و فرصت را داشته باشند، می‌توانند انجام دهند» (بیانات در ۱۳۷۵/۱۲/۲۰). «حجاب یکی از وسایل امنیت است. با حجاب زن مسلمان، هم خود زن مسلمان امنیت پیدا می‌کند و هم مردان مسلمان امنیت پیدا می‌کنند. آن جایی که حجاب را از زنان دور می‌کنند، آن جایی که زن را به عریانی و برهنگی نزدیک می‌کنند، در درجه اول، امنیت از خود زن و در درجه بعد، از مردان و جوانان گرفته خواهد شد. برای اینکه محیط سالم و دارای امنیت باشد، زن بتواند کار خود را در جامعه انجام دهد، مرد هم بتواند مسؤولیت‌های خود را انجام دهد، اسلام حجاب را معین کرده است» (بیانات در ۱۳۷۵/۱۲/۲۰).

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، اهمیت رعایت محرم و نامحرم به خانواده برمی‌گردد (بیانات در ۱۳۹۰/۱۰/۱۴). رعایت حریم بین زن و مرد، باعث می‌شود ارضاء نیازهای جنسی محدود به حریم خانواده باشد و از روابط آزاد جنسی در جامعه جلوگیری شود. وقتی افراد برآورده شدن نیازهای عاطفی و جنسی خود را محدود به محیط خانواده کنند، گرم‌تر شدن روابط زن و شوهر را باعث می‌شوند که این امر استحکام خانواده را به همراه دارد؛ از طرفی، رعایت حریم بین



شکل ۱. نمودار مقادیر عددی شاخصه‌های زن و آزادی در فرهنگ غرب

خامنه‌ای، از جمله مصادیق آزادی زن در فرهنگ غرب، شامل این نمونه‌هاست:

«آزادی از قید حجاب و پوشش» (بیانات در ۱۳۶۷/۱۱/۸)

کی از مصادیق آزادی در فرهنگ غرب، آزادی در پوشش و نوع لباس است؛ اما آنچه در واقعیت فرهنگ غرب می‌توان مشاهده کرد نه آزادی در پوشش بلکه آزادی از قید پوشش و حجاب مطرح است. مهم‌ترین علت و سند این موضوع، ندادن حداقل حقوق به اقلیت‌هاست که دختران مسلمان به جرم پابندی به حجاب از حق آموزش و تحصیل محروم می‌شوند (برگرفته از بیانات در ۱۳۸۳/۱۰/۲۹ و ۱۳۹۰/۱/۱۰). یا «در جنگ روسری، یکبارہ رؤسای کشور به مبارزه‌جویی در برابر چند دختر بچه متعبد و چند خانواده مقید مسلمان ظاهر می‌شوند» (بیانات در ۱۳۶۸/۹/۲). آنچه در این وقایع دیده می‌شود تناقض‌هایی

طبق سخنان آیت‌الله خامنه‌ای، بیشترین معنای آزادی در غرب برای زنان، آزادی از قید پوشش و حجاب است. ایشان یکی از معانی آزادی در غرب را آزادی در مسائل اخلاقی می‌دانند؛ چرا که ریشه آزادی در مکتب لیبرالیسم غربی، آزادی انسان منهای حقیقتی به نام دین و خداست (بیانات در ۱۳۷۷/۶/۱۲) و این مبنای فکری در حوزه زنان نیز به چشم می‌خورد. طبق دستورهای دینی، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های حضور اجتماعی زن، داشتن پوشش و حجاب است. وقتی هرگونه مخالفت با مبانی دینی، به خصوص در حوزه اجتماعی به عنوان نیروی فکری غالب در جامعه، مطرح باشد، مخالفت با حجاب و پوشش یکی از مهم‌ترین رویکردهای اجتماعی آن جامعه خواهد بود؛ به خصوص وقتی رنگ و بوی آزادی و اختیار فردی به خود بگیرد و این هدفی است که در فرهنگ غرب روی آن سرمایه‌گذاری می‌شود. از دیدگاه آیت‌الله

را مرتکب نشده است و این از مصادیق فساد محسوب نمی‌شود (والدمن، ۱۳۸۳).

«آزادی زن از قید ازدواج و تشکیل خانواده» (بیانات در ۱۳۷۶/۷/۳۰)

تشکیل زندگی مشترک بین زن و مرد، نیازمند نوعی تعهد است که طرفین در قبال هم دارند. این تعهدات در مجموعه‌ای از شرع و عرف تعیین و اجرا شدنی است. در واقع، قبول این تعهدات است که فرد را از سود انگاری شخصی جدا می‌کند و به منفعت گروهی، گره می‌زند و در نهایت، قبول منفعت خانوادگی است که فرد را آماده پذیرش منفعت جمعی بزرگ‌تر، یعنی اجتماع، می‌کند؛ اما در تئوری سود فردی، به اولین مسئله‌ای که تعدی می‌شود، تشکیل خانواده است؛ چرکه فقط سود و منفعت و مصلحت فردی اهمیت پیدا می‌کند. امروزه آنچه به عنوان رفتاری منتج از مدرنیسم، در فرهنگ غرب، مشاهده کردنی است زندگی مشترک بین زنان و مردان است که بدون ازدواج صورت می‌گیرد. تفاوت این نوع زندگی با ازدواج، در این است که طرفین هیچ نوع تعهدی را برای تداوم هم زیستی تقبل نمی‌کنند؛ در حالی که در ازدواج، تعهد به زندگی دائم موضوعی محوری است. تپژوهشی نشان می‌دهد که فقط یک پنجم کودکان آمریکایی که در چنین خانواده‌هایی به دنیا می‌آیند تا سن بلوغ با پدر و مادرشان زندگی می‌کنند (ویلسون، ۱۳۸۳؛ به نقل از دیوید پوپنو، زندگی بدون پدر، ۱۹۹۶).

در غرب، ازدواج تنها به عنوان ابزار تشکیل سلول اساسی جامعه اهمیت دارد؛ ولی اگر فرض شود که ارزش‌های اخلاقی جوامع تغییر کند و سلول اساسی تشکیل دهنده جامعه، آزادی بدون ازدواج باشد، دیگر از چنین اهمیتی برخوردار نخواهد بود. این مسئله در اصل ششم قانون اساسی آلمان، این‌گونه بیان شده است: ازدواج و

است که در گفتار و رفتار مشاهده شدنی است. در فرهنگ غرب، ادعا بر این است که حجاب مسئله‌ای دینی است و در جوامع لائیک نباید ظهور پیدا کند؛ اما علت واقعی مخالفت با حجاب این است که سیاست راهبردی و بنیانی غرب درباره زن، یعنی عرضه شدن و هرزه شدن زن را با چالش رو به رو می‌کند و مانع تحقق آن می‌شود (بیانات در ۱۳۹۰/۳/۱). در واقع، آن‌ها نه تنها چنین مسئله‌ای را برای فرهنگ خویش معرفی می‌کنند، بلکه می‌خواهند برای پیشبرد اهداف استعمارگرانه خویش، آن را در کشورهای دیگر هم انتشار داده و جاهلیت خودشان را بر معرفت عالم غلبه دهند (بیانات در ۱۳۷۰/۸/۲۲).

در واقع، هدف اصلی غرب از تبلیغ روی بی‌حجابی، تأمین آزادی برای زنان نیست؛ بلکه تأمین خواسته‌های غریزی و بهره‌مندی نامشروع مرد از زن است (برگرفته از بیانات در ۱۳۷۷/۷/۲۸ و ۱۳۷۱/۹/۲۵). در واقع امر، در آزادی از قید و بند پوشش و حجاب برای زنان، «التذاذ مردان» نهفته است (بیانات در ۱۳۷۰/۸/۲۲).

«آزادی اختلاط زن و مرد در جامعه» (بیانات در ۱۳۶۷/۱۱/۸)

در فرهنگ غرب، بنای اصلی بر این است که زن و مرد با هم آزادانه رفتار کنند و این به هیچ وجه، به معنای آزادی زنان در مباحث علمی، درس خواندن یا شرکت در امور سیاسی نیست و گرنه برآورد این چنین خواسته‌هایی با اختلاط نکردن زن و مرد، آن گونه که در فرهنگ غرب مطرح است، نیز امکان‌پذیر است (برگرفته از بیانات در ۱۳۷۹/۷/۱۱). در واقع، آزادی زن به منظور سوق دادن این قشر به سمت بهره‌برداری‌های نفسانی است و در این راه، از جاذبه‌های فیزیکی زن سوءاستفاده می‌شود (برگرفته از بیانات در ۱۳۶۵/۱۱/۳۰). در کشورهای غربی، اگر کسی با چند زن رابطه آزاد جنسی داشته باشد جرمی

یک طبقه یا هر دو. این جامعه‌شناسان به عوامل گوناگون مربوط به جایگاه زنان در خانواده، یعنی مادری و تقسیم کار خانگی و وابستگی اقتصادی زنان توجه کرده‌اند. مادری به عنوان حرفه‌ای تمام وقت، تفکر و آرمان ما را درباره زنان شکل داده است و زنان به طور معمول، مسؤل کارهای ضروری و تکراری هستند؛ حال آنکه مردان کارهای خلاقانه انجام می‌دهند (سیدان، ۱۳۸۰). این در حالی است که آیت‌الله خامنه‌ای اتفاقاً یکی از نشانه‌های مردسالاری غربی‌ها را این می‌داند که مردان برای التذاذ از زنان، آن‌ها را به کشف حجاب و آرایش و تبرج تشویق می‌کنند (برگرفته از بیانات در ۱۳۷۶/۷/۳۰).

«آزادی زن از وظیفه پرورش فرزندان» (بیانات در ۱۳۷۶/۷/۳۰):

یکی از مصادیق آزادی زنان در غرب، آزادی از وظیفه پرورش فرزند و سپردن این مهم به نهادهای دولتی است. سیمون دوبووار، از نظریه‌پردازان مهم عرصه فمینیسم، با بهره‌گیری از مفهوم «دیگر» یا «دیگری» نتیجه می‌گیرد که در جوامع مردسالار فعلی، هویت زن نقش دیگری به خود می‌گیرد و در این وضعیت «دیگری» همیشه عامل مزاحم و بر هم زننده آزادی تلقی می‌شود. او در ادامه، این طور نتیجه‌گیری می‌کند که دو نهاد «ازدواج» و «مادری» دو قید بندگی و «اسارت» فراروی زنان است و راه علاج را در نفی ازدواج و مادری و یافتن روح «آزادی» می‌داند (برگرفته از شاکری، ۱۳۸۸)؛ بنابراین یکی از راه‌های آزادی زنان، رهایی آنان از قید تربیت فرزند است. اگر کودکی را دایه‌ای خوب یا مهدکودکی مناسب بزرگ کند، اگر بشود آموزش او را به دست مدرسه‌ای دولتی یا خصوصی سپرد، اگر امنیت و رفاه اجتماعی او را بتوان از طریق پلیس و مددکارهای اجتماعی کنترل کرد و... در این صورت، دیگر پدر و مادر احتیاجی به ازدواج ندارند. شاید در این صورت، مردان و زنان به سادگی تصمیم بگیرند که بدون تشریفات ازدواجی قانونی،

خانواده از حمایت‌های ویژه نظام حکومتی برخوردار است... قانون‌گذار موظف است، برای فرزندان که خارج از قانون ازدواج به وجود آمده‌اند، از لحاظ رشد جسمانی و روحی و عزت اجتماعی، همان وضعی را فراهم کند که برای فرزندان به وجود آمده در قانون ازدواج فراهم است (اصل ششم پاراگراف اول و پنجم قانون اساسی آلمان). در همین رابطه، در غرب شرط مجاز بودن آمیزش جنسی ازدواج نیست، بلکه افراد خارج از چارچوب ازدواج نیز دارای چنین روابطی هستند و این فساد اخلاقی، حتی از پشتیبانی حقوقی نیز برخوردار است. بر همین مبنا، از سال ۱۹۶۹م، در آلمان آمیزش جنسی زن و مرد متأهل، در خارج از چارچوب ازدواج، آزاد شد؛ در حالی که چند همسری ممنوع شد؛ به علاوه، زندگی مشترک زن و مرد به صورت آزاد هم مجاز شمرده شد (والدمن، ۱۳۸۳).

«آزادی زن از نفوذ مطلق مرد» (بیانات در ۱۳۷۶/۷/۳۰):

بنا بر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، در فرهنگ غرب، یکی از مصادیق آزادی در خصوص زن، آزادی از نفوذ مرد بوده که بیشتر منظور شوهران است. یکی از مباحثی که در فمینیسم واکاوی شده، مبحثی به نام مردسالاری است. در جریان اصلاحات در غرب و در مخالفت با اوامر کلیسا، یکی از مسائلی که مطرح می‌شد این بود که هیچ فردی تحت سلطه فرد دیگری نباید قرار گیرد و همه افراد دارای مراتب یکسانی هستند. این در حالی است که در طول تاریخ، زنان تحت سلطه و سیطره مردان بوده‌اند و تنها راه رهایی از ظلم و ستم به زنان، از بین رفتن نظام مردسالاری است.

فمینیست‌ها، به خصوص رادیکال‌ها، معتقدند که تسلط مردان بر زنان فرایندی است که از خانواده شروع می‌شود و به اجتماع راه پیدا می‌کند^۴ (رودگر، ۱۳۸۸: ۸۴). از نظر جامعه‌شناسان فمینیست، خانواده محل اصلی ستم بر زنان است؛ خواه این ستم به جامعه کشیده شده و نظام سرمایه‌داری نیز از آن بهره‌مند شود، خواه مردان به عنوان

با یکدیگر همزیستی مشترک داشته باشند. اگر افراد آزاد باشند که هر زمان مایل بودند، دست از زندگی مشترک بردارند نه زن و نه مرد، انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری سنگین در این رابطه ندارند. اکنون در فرهنگ غرب، وجود کودکان تک والد معضلی بزرگ است. اگر فرهنگ جامعه برای مردان، دسترسی به روابط جنسی آزاد را فراهم کرده است بدون آنکه در ازای آن تعهد و پایداری داشته باشند، مسلم است که بسیاری از مردان هرگاه تمایل داشته باشند زوج خود را رها می‌کنند. در این حالت، هنگامی که خانواده‌های تک سرپرست عمومیت پیدا کنند، به طور قطع این مادران بوده و نه پدران که ناگزیر به بزرگ کردن فرزندان هستند (ویلسون، ۱۳۸۸: ۲۴۰ تا ۲۵۰).

آسیب‌شناسی آزادی زن در فرهنگ غرب

طبق مبانی نظری مطرح شده از آیت‌الله خامنه‌ای، در باب آزادی در غرب، به علت وضع خاص حاکم بر فرهنگ غرب، مبنی بر اصل لذت‌طلبی و «ظلم و بی‌بند و باری و افسار گسیختگی در زیر نقاب آزادی» (بیانات در ۱۳۷۹/۲/۲۳) و همچنین در زیر «سایه تفکر اومانیستی» (بیانات در ۱۳۸۹/۸/۴)، زن و مرد به وادی ابتلائات جنسی کشانده می‌شوند. ورود به این وادی، باعث برافروختن و دامن زدن به آتش زیاده‌روی‌های جنسی بی‌قانون و بی‌نظم در جامعه شده که این پدیده با آوردن زن، به شکل متبرج در جامعه انجام می‌شود (برگرفته از بیانات در ۱۳۸۶/۴/۱۳). رواج بی‌قانون و بی‌نظم انگیزه جنسی در جامعه غربی، آسیب‌هایی به کل جامعه انسانی، به خصوص زنان، وارده آورده است؛ از جمله:

الف. عمل برخلاف فطرت انسانی: غرب با اصرار بر برهنگی و بی‌بندوباری زن و مرد، بر خلاف فطرت و طبیعت انسانی عمل کرده و به این روش، باعث تضییع حقوق زنان در فرهنگ غرب شده است (برگرفته از بیانات در ۱۳۷۴/۹/۱۶). در واقع، فرهنگ غرب سرشار از جاهلیت

و متأثر از فرهنگ یونان و روم باستان، ارزش و اعتبار زن را به این می‌داند که خود را در چشم مردان آرایش کند و او را این چنین تحسین می‌کنند (برگرفته از بیانات در ۱۳۷۰/۸/۲۲). در واقع در این فرهنگ، آنچه به عنوان شاخص دفاع از حقوق زن شناخته شده، خود باعث تجاوز به حقوق آن‌ها شده است و آن گسترش بی‌بندوباری و ترویج روابط آزاد بین زن و مرد، در زیر لقای آزادی است (برگرفته از بیانات در ۱۳۸۶/۴/۱۳). حضور زن در کنار مرد، در بخش‌های مختلف جامعه و بدون حفاظ، این اندیشه را در غرب تقویت کرده که دیگر مشکل زن حل شده و باعث شده است زنان بتوانند به پیشرفت‌هایی در سطح اجتماعی، شغلی، تحصیلی و سیاسی دست پیدا کنند؛ اما همچنان «زنان زیر ستم تاریخی» (بیانات در ۱۳۶۷/۱۱/۸) قرار دارند.

ب. سوءاستفاده از زن و تحقیر او: در فرهنگ غرب، به لحاظ تفکر مادی‌گری و عمل در راستای چنین نگرشی که البته بر پایه فرهنگ رومیایی است و به علت ویژگی‌های ظاهری و جسمی زن، احترام و ارزشی که زن در فرهنگ غرب داراست، در راستای تحقق یکی از پست‌ترین خصلت‌ها و غرایز مادی بشری انجام می‌شود (برگرفته از بیانات در ۱۳۷۰/۱۰/۴). در فرهنگ رومی نیز، زنان را به عالی‌ترین مقام می‌رساندند و به آنان احترام می‌گذاشتند و به زیورآلات و آرایش‌ها می‌آراستند؛ اما نه برای احترام به او، بلکه برای اشباع خصلت‌های غریزی مردان؛ این مسئله نه تنها توهینی برای زنان است بلکه باعث ابتدال فرهنگ و تمدن نیز می‌شود (برگرفته از بیانات در ۱۳۷۰/۱۰/۴).

برای مثال «در انگلستان از هر ده زن هفت زن در دوره زندگی شغلی خود، به مدت طولانی، دچار آزار جنسی می‌گردد و در مورد تجاوز جنسی نیز، در بررسی در لندن آشکار ساخت که از هر شش زن یک زن مورد تجاوز قرار گرفته بود» (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۰۱). «در چنین نظامی، یکی از رسواترین اشکال توسعه، تجارت

کنونی در مدارس از طریق درس‌های علمی یا به صورت آگاهانه از طریق درس‌های آموزش جنسی نگرشی مکانیکی نسبت به امور جنسی ارائه می‌دهد و ارزش‌هایی را منتقل می‌کند که غالباً غیردینی یا ضددینی هستند. در این شیوه، به جای ارائه نگرش اخلاقی به دانش‌آموزان و هدایت زندگی آنان بدان سو نسبت به یکی از غنی‌ترین جنبه‌های تجربه انسان، یعنی رابطه سرشار از عشق زوجیت، دیدگاهی ماده‌گرایانه، پست و کاملاً محدود ارائه می‌شود» (متقی‌فر، ۱۳۸۸: ۲۳۲؛ به نقل از سیدعلی اشرف).

نتیجه

۱. براساس دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در فرهنگ غرب، آنچه «آزادی» برای زن به ارمغان آورده است، نامعادله‌ای است که جامعه را به دو بخش مردان و زنان مورد انتفاع قرار می‌دهد (بیانات در ۱۳۹۰/۳/۱)؛ چرا که این چنین حضور آزادانه زنان، هم برای سرمایه‌داری غرب منفعت‌آور است و هم برای سوءاستفاده مردان از ظرافت و لطافت زنانه امکان فراهم کرده است.

۲. بنابر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، مصادیق آزادی در غرب شامل: آزادی از قید حجاب و پوشش؛ آزادی اختلاط زن و مرد در جامعه؛ آزادی زن از قید ازدواج و تشکیل خانواده؛ آزادی زن از نفوذ مطلق مرد و آزادی زن از وظیفه پرورش فرزندان است. طبق این دیدگاه، باید برای احیای حقوق زن از خانواده شروع کرد؛ بدین ترتیب، امکان سوءبرداشت از کار زن در خانه و وظیفه پرورش فرزندان کمتر خواهد شد.

۳. طبق دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، آزادی در وزنۀ دین، باید با تکلیف موازنه شود. بینیم اکنون تکلیف ما چیست؟ در جهان بینی توحیدی، انسان تنها برای این زندگی مادی و دنیایی خلق نشده است، بلکه اگر

جدیدی به نام بهره‌برداری جنسی یا جهانگردی سکس است که طی آن مردان کشورهای توسعه‌یافته، به روسپی‌خانه‌هایی که در جهان سوم صرفاً برای آن‌ها برپا شده می‌روند» (فرنج، ۱۳۷۳: ۶۵ و ۶۶).

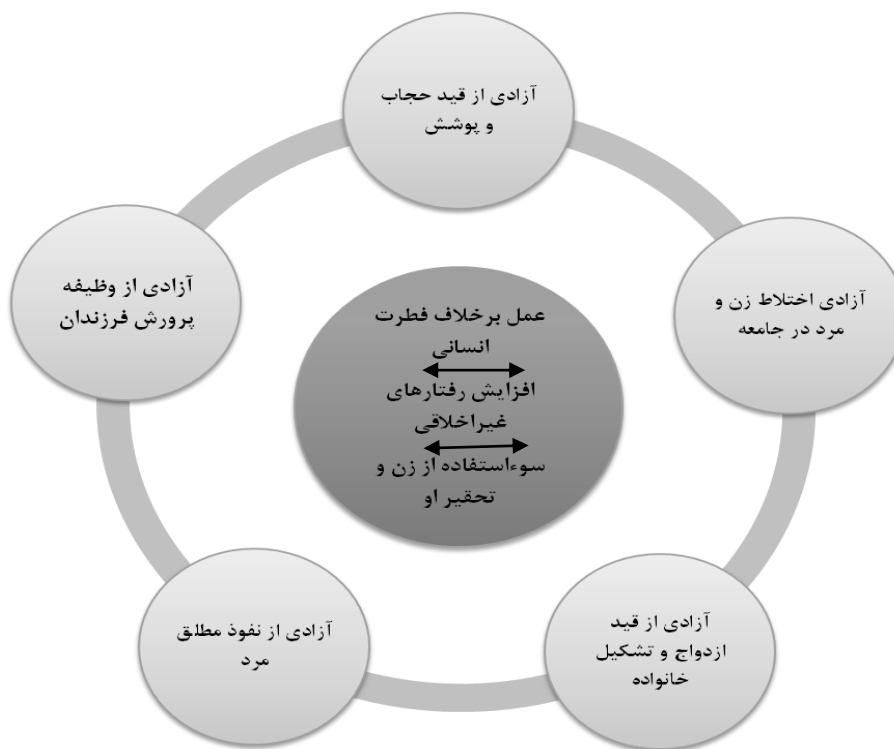
ج. همجنس‌گرایی: اکنون در دنیای غرب، همجنس‌گرایی از دردهای بزرگ و ناعلاج است. آن طور ادبیات پرده درانه و عریان در زمینه مسائل جنسی و ارتباط زن و مرد را به میان آوردن، آن طور جنس زن را یعنی همان بخش زیبا و لطیف و مستور و در پرده وجود بشر را برای شغل و برای تبلیغات و برای کار به میدان کشاندن، از لبخند او از زیبایی‌های او از جسم او از چهره او برای ترویج فلان جنس بی‌ارزش و پست برای به دست آوردن پول استفاده کردن این مسائل را هم دنبال خودش دارد. طبیعی است این کارها را دنیای غرب و سیاست‌های غربی کرده است (برگرفته از بیانات در ۱۳۸۶/۴/۱۳).

«امروزه که حدود یک قرن از ورود آموزش جنسی به مدارس غربی می‌گذرد بر اساس داده‌های علمی با قطعیت می‌توان ادعا کرد که به دلیل عنان‌گسیختگی، ایجاد بی‌بندوباری و ناپایبندی به اخلاق انسانی هیچ دستاورد مثبتی برای آنان نداشته است. در برابر می‌توان مشکلات زیر را از پیامدهای آموزشی جنسی در مدارس برشمرد: آشنا کردن دانش‌آموزان در سنین پایین با راه‌های جلوگیری از حاملگی، کاهش سن ارتباط جنسی، افزایش همجنس‌بازی، کاهش سن ازاله بکارت، ارتباط جنسی معلمان و مدیران با دانش‌آموزان و از بین رفتن امنیت دختران در مدرسه و خارج مدرسه» (متقی‌فر، ۱۳۸۸: ۲۲۸).

«در نظام سکولاریستی، ارزش اخلاقی مطلق که تمام مدارس به رعایت آن موظف باشند وجود ندارد. در وضعیت سردرگمی اخلاقی به نظر می‌رسد هیچ چیز پایدار وجود ندارد. آموزش جنسی به صورت

نقش همسری و فرزندپروری نه تنها مانع آزادی و پیشرفت نیست که حتی عین پیشرفت و تعالی است.

موهبتی به او رسیده و ظرفیتی در اختیار او گذاشته شده برای عبودیت و بندگی خداوند است. در این زمینه، زن اگر بخواهد به شکوفایی استعدادهای خود برسد باید بررسی کند که می‌خواهد در چه وضع و موقعیتی، به این هدف دست پیدا کند. در این دیدگاه، کار منزل و



شکل ۱. مدل مفهومی محقق ساخته نسبت زن و آزادی در فرهنگ غرب

پی‌نوشت

۱. سوره اعراف، ۱۵۷.

۲. Liberte

۳. سوره نحل، ۹۷.

۴. مردسالاری به نظام سلطه مردانه‌ای می‌گویند که از طریق نهادهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی‌اش زنان را سرکوب می‌کند و در تمامی مظاهر تاریخی، یعنی فئودالی، سرمایه‌داری یا سوسیالیستی، نظام جنس-جنسیتی و نظام تبعیض اقتصادی به‌طور هم‌زمان عمل می‌کند (هام، مگی؛ گمبل، سارا ۱۳۸۲: ۳۲۳). میل، نظام مردسالار را نهادی می‌داند که از طریق آن نیمی از جمعیت که مؤنث‌اند تحت کنترل نیمی دیگر که مذکرند

قرار می‌گیرند (رودگر، ۱۳۸۸، به نقل از هیوود، اندرو، چهار مبحث اساسی فمینیسم).

منابع

الف. کتاب

. بانکی پور فرد، امیرحسین. (۱۳۸۱). آیین زن، قم: کتاب طه.
چراغی کوتیانی، اسماعیل. (۱۳۸۸). خانواده در اسلام و فمینیسم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
. رودگر، نرجس. (۱۳۸۸). فمینیسم، تاریخچه، نظرات، گرایشها، نقدها، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، حوزه علمیه خواهران.

. همایش مسائل زنان مرکز پژوهش‌های صداوسیما. (۱۳۸۸). فمینیسم، شکست افسانه آزادی زنان، ج ۲، تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

ب. مقالات

. سیدان، فریبا. (۱۳۸۰). «نقد و بررسی فمینیسم و دانش»، کتاب ماه، س ۱، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۸۶ تا ۹۳.
 . شاهدین، حمید. (۱۳۸۲). «درآمدی بر شناخت ابعاد تهاجم فرهنگی و نحوه مقابله با آن»، مجله حوزه و دانشگاه، س ۹، ش ۳۵، ص ۸۵ تا ۱۰۹.
 . مختاری، محمدحسین. (۱۳۸۸). «زن و رویای آزادی»، طهورا، دوره ۲، ش ۴، ص ۱۲۱ تا ۱۳۶.
 . والدمن، محمد. (۱۳۸۳). «چگونگی تنظیم روابط جنسی و رفتارها در غرب و کشورهای اسلامی بر اساس مقایسه دو جامع آلمان و اتریش با ایران»، تربیت اسلامی، دوره ۱۵، ش ۸، ص ۲۱۹ تا ۲۵۲.

ج. پایان‌نامه

. یراقی، سعیده. (۱۳۹۲). تحلیل آراء آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون جایگاه زن در فرهنگ غرب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

د. لاتین

- Spielvo, Jackson j. (2003). What is Western Culture? What is non Western Culture?, Western Culture Global, Chapters 1-29.
 - Zimmermann, Kim Azz. (2012). What is culture. www:http// Live Science Contributor

. رهنمایی، سیداحمد. (۱۳۸۸). مبانی آزادی در اسلام و غرب، همایش و نشست‌های غرب‌شناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

. سیاهپوش، امیر، امیر آقاپور. (۱۳۸۹). فرهنگ در منظر آیت‌الله خامنه‌ای، تهران: شهر.

. صدر، سیدرضا. (۱۳۸۶). زن و آزادی، قم: بوستان کتاب.

. علاسوند، فریبا. (۱۳۹۰). زن در اسلام، ج ۲، قم: هاجر.

. فرنچ، ماریان. (۱۳۷۳). جنگ علیه زنان، مترجم توراندخت تمدن، تهران: علمی.

. قدوسی‌زاده، حسن. (۱۳۸۹). نکته‌های ناب، ج ۱، قم: معارف.

. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی .

. متقی‌فر، غلام‌رضا. (۱۳۸۸). اخلاق جنسی در اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

. مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۲). دایره‌المعارف قرآن کریم، ج ۱، قم: بوستان کتاب.

. مرکز صهبا. (۱۳۹۰). دغدغه‌های فرهنگی؛ شرح مزجی یکی از بیانات محوری بیانات رهبری در سال ۱۳۷۳، مؤسسه جهادی.

. محمدپور، احمد. (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی ضد روش، ج ۲، تهران: جامعه‌شناسان.

. مشکات، عبدالرسول. (۱۳۸۶). فرهنگ واژه‌ها، ج ۳، قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.

. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰). آزادی انسان، تهران: بینش مطهر.

. ویلسون، جیمز کیو. (۱۳۸۸). افول ازدواج، ترجمه همایش مسائل زنان، تهران: معاونت فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

. ----- . (۱۳۸۳). فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، مترجمان: محمدی، معصومه و دیگران، ج ۲، تهران: معارف.

. فروم، اریک. (۱۳۸۷). گریز از آزادی، ترجمه فولادوند، عزت‌الله، ج ۱۳، تهران: مروارید.

Analysis of the Relationship Between Women and Freedom in Islam in Comparison with West on the Base of Ayatollah Khamenei's Thoughts

M.Saeedyan Jazi*
S.Yaraghi**

Abstract

One of the most fundamental issues in anthropology is human freedom. In West, simultaneously with modernism and feminism, women made great efforts to achieve freedom and have claimed that they have been successful in this field. This article aims to survey women's freedom in West on the basis of Ayatollah Khamenei's viewpoint by using qualitative analysis method. In this article, it is aimed to answer this question: what are the consequences of women freedom considering the differences of definition and position of freedom in Islam and West? For this reason, Ayatollah Khamenei's viewpoints originated from his statements and speeches (1978 - 2013) have been collected and analyzed qualitatively by using thematic method. According to this viewpoint, principles of freedom not only are disable to restore woman's right, but has also damaged family life and couple relationships; while on the base of Islam's intellectual system, freedom and responsibility accompany each other and freedom doesn't mean promiscuity, but is in concomitance with commitment. In the field of woman science, this matter makes the differences between woman's position in Islamic and Western culture.

Key Word: Freedom, Woman, Islam, West, Ayatollah Khamenei

* Assistant Professor, University of Isfahan,Iran.

** MA in Women Studies, field of " Women's Rights in Islam, University of Isfahan,Iran.